

واصول آن از حروف است و اصول حروف نیز ۲۸ است، در تلفظ چهارده حرف شمسي است و چهارده حرف قمری، و در نوشتن چهارده حرف در عموم نوشته های شرقی علامت نقطه دارد و چهارده حرف بی نقطه است، از این نمونه ای که عرض کردم آیا تصدیق نمیکنید که یک نوع رابطه عدی بین ششون زندگی و عوالم موجود برقرار است؟ گویا عدد ۲۸ از اعدادی است که در اصول زندگی و خلقت بکار برده شده! مناسب است یک جمله ای هم از علم قرآن عرض کنم، علمای تفسیر درباره حروف اوایل سوره هازیاد بحث کرده اند بعضی گفته اند که این حروف مقطع اشاره است بنظامات بزرگ عالم و بقاء و ثبات قرآن، یعنی همانطور که اصول خلقت باقی وابدیست این قرآن هم که مطابق با آن اصول است باقی وابدی خواهد بود، مؤید این نظر این است که عدد حروف ^{۲۶} اوائل سوره های قرآن هم ۱۴ میباشد.

این مضمون در سوره تبیارک است که: در خلقت خدای رحمان کم و بیش نمی بینی، چندین بار چشم را باز گردان و نظر کن و بشگر آیدار این ساختمان بزرگ سستی و بی نظمی می نگری؟!

روابط عالم منظم، و حرکات موجودات منظم، و هندسه خلقت منظم، و روابط عددی آن روی حساب است، همه چیز و همه جا منظم است، جز زندگانی انسان که بدست خود داده شده آنهم آنگاه منظم می شو که باقی این عالم مطابق شود، و مترجم قوانین خلقت انبیاء عظام صلوات الله علیهم بوده اند، پس هر کس از قوانین خلقت و دستورات انبیاء سر پیچی کند فقط بخود دللم کرده، والسلام علیکم و رحمة الله و بر کلته

کتابخانه آنلاین «طالبانیه و زمانه ما»

شب یکشنبه ۳ خرداد ۱۴ رجب - ۲۶

از نمونه های نظام و قانون ظاهر جهان، قانون جاذبه عمومی است این نیروی با اقتدار، بواسطه رشتہ های ناپیدای خود تمام اجسام کوچک و بزرگ جهان را بر پاداشته علماء و مکتشفین طبیعی از این سربزرگ بجاذبه عمومی تعبیر کرده اند و میگویند مالحظی که از این حقیقت تعبیر کند جز کله جذب و جاذبه نیافتیم، فلاسته و عرفای الهی آنرا یکی از مظاہر محبت و عشق ساری در تمام موجودات میدانند، منظومه های بزرگ شمسي، بقانون محبت و جذب بدورهم می چرخدند و یسکنیدگر حرارت و دل گرمی میدهند و در این فضای غیر متناهی مسیر عشق و کمال را ووشن میکنند و با شور و شوق بیوسته بحر کت خود ادامه میدهند و احساس بخششگی نمی کنند، اجزای ناپیدای هرجسمی، بقانون جذب و محبت با

سرعت بدورهم می چرخند و این شکلهاي منظم اجسم کوناگون را ظاهر می سازند، بهمین قانون، اجتماعات بزرگ برپا است و کانون زندگانی گرم است، و پدرها بسرپرستی و مادرها بادلگرمی باداره اطفال و خانه و ادامه زندگی می پردازند، و همه زحمت ور نیزرا انسان باخوши متحمل می شود، محبت بکمال و علم و خدمت و جمال است که هر طبقه ای را بوظایف مخصوص خود و امیدارد، و هرچه محبت و شوق یافته شود کار کامل و بیشتر می شود پس قانون محبت و جذب و رحمت، از قواعد عمومی عالم است که در همه جا و هر نقطه از جهان تفویذ کرده، و در دل هر موجودی راه یافته و در سراسر جهان کرسی خود را مستقر نموده و خیمه خود را بر افرادش است

هر که راجامه زعشقی چال شد
شادباش ای عشق پرسودای ما
ای دوای نخوت و ناموس ما
جسم خالک از عشق بر افالاک شد
عشق جان طور آمد عاشقا
بال بدم ساز خود گر گفتی

اوز حرس و عیب کلی پاک شد.
ای طبیب جمله علت های ما.
ای تو افلاطون جالینوس ما.
کوه در رقص آمدوچالاک شد.
طور مست و خر موسي صفا.
همچونی من گفتني ها گفتمی.

در هر گوشه جهان وزندگی اگر اند کی پایه این عرش رحمت و محبت سست شود کدورت دلسردی رخ میدهد و بساط هستی وزندگی مختل می شود، و منظومه های شمسی بهم می خورد و اجسم متلاشی می شود و زندگی پراکنده می گردد، یکی از داشمندان میگوید در تمام عالم پریشانی و بد بختی فقط یکی است و آن نبودن محبت است، در قرآن کریم میگوید: خدائ رحمان بر عرش مستقر شده، زیرا که اساس عالم بزرگ که عرش الهی است بر پایه های رحمت برپا مانده، در هر جا این عرش رحمت، ظهور و شبه نفوذی دارد چون هر موجودی بفرآخور خود از رحمت و محبت بهره مند است، گناهان بزرگی که در قرآن وعده آتش و عذاب برای مرتكب آنانها داده شده، همان گناهها و جنایاتی است که اساس محبت و روابط انتظامی و قانونی را سست یا قطع می کند، دلسرد کردن مدیران دلسوز و حقیقی اجتماع و اشخاص خدمتگذار، خوار نمودن یتیم، دریدن پسرده عفت، و خارج کردن زن را از کانون محبت اداره منزل و تربیت اولاد، جنایاتی است که قابل بخشش نیست چون عرش رحمت خدار امتزاز لی می کند، برای هر موجودی یک منظومه حیاتی است که همان کانون عشق و محبت او است، و خارج شدن از آن منظومه آسان نیست، اگر یک سیاره در میان ملیونها سیارات از منظومه خود خارج شود در تمام عالم اختلال و بی نظمی رخ میدهد اگر اجزای جسم را از مدار ناپیدای خود خارج کنند طوفان و صاعقه ایجاد می کند، باین جهت انججار اتم بس مهیب و وحشتناک است! یک ملت زنده ایرا از محور دین و ملیت نمیتوان خارج نمود مگر پس از انقلاب های بزرگ، بهم زدن محیط

خانواده کی صحیح و بردین رشته محبتیکه میان افراد آنست البته دفتنا آسان نیست ، کسانیکه بخواهند این اساسرا بهم زندتا بالنتیجه رشته ارتباط یک جامعه بزرگ سست شود ، سالها تبلیغات می کنند و بهزارها نامزدیا و نشریات دلربا فحشاء و بی عقیقی را ترویج می کنند و بدست چهال و چنایت پیشگان خودشان ، پایه محبت و علاقه بزندگی را در میان مردها وزنها و خانواده که سلول اول اجتماع عند مقزلزل می نمایند ، آنگاه بمقاضید شوم خود نائل میشوند !

از این بیان تالاندازه معلوم شد که جاذبه محبت از حقایق عمومی عالم است و عرش خداوند بزرگ همین جذب و رحمت میباشد ، فواصل و حرکات منظم از قوانین جاذبه عمومی است ، حرکات سیارات را عموم مردم تالاندازه متوجهاند ، چون طلوع و غروب آفتاب و بی دربی آمدن فصول اختلاف شب و روزه از آثار همین حرکات منظم است ، در هزارها سال پیش در چنین روزی آفتاب در ساعت و دقیقه و ثانیه میعنی طلوع و غروب نموده امر ورزش چنین است هزارها سال بعدهم چنین خواهد بود . فواصل سیارات هم مانند حرکات آنها در تحت نظام و قوانین ثابتی است که نمونه ای از آن چنین است اگر فاصله و دوری عطارد را از آفتاب صفر فرض کنیم وزهره را ۳۱ ، و زمین را ۶ ، و مربیخ را ۱۲ و ستاره مجھول را ۲۴ ، و مشتری را ۴۸ ، و زحل را ۹۶ ، با این فرض قدری نظام معین فواصل سیارات را فهمیده ایم که با نسبت معین هندسی میباشد ، فواصل اجزاء سیاره هر ذره جسمی با هسته مرکزی آن نیز قانون منظmi دارد .

یکی دیگر از قوانین جاذبه عمومی قانون مربع بعد است ، این قانون در جذب و سنگینی جسم و شدت حرارت و نور و صوت یکنواخت جاری است ، چند مثال برای فهم عموم می آورم تا حساب نظام عالم را عموم متوجه شوند و این مثالها را نمونه بدانند از نظامات بزرگ جهان ، اگر دو نقطه چوب را که از جیث وزن و اندازه یکی باشند با فاصله دو متر روی آبرها کنیم روی قانون جاذبه عمومی این دو بتدریج بهم نزدیک میگردند ، اگر فرض کنیم در هر ثانیه یک متر بیکدیگر نزدیک میشوند ، پس از آن آنها را چهار متر از هم دور قرار دهیم می بینیم با آنکه بعد دو مقابل زیاد شده ولی نزدیک شدن آن دو بیکدیگر دور هر ثانیه یک چهار متر است ، همین قانون مربع بعد در سنگینی جسم هم جاری است ، اگر یک جسمی را صد متر از زمین بالا بردم و در آنجا وزن آن چهار کیلو بود چون دو بست متر بالای زمین همان جسم را بتوانیم وزن کنیم یک کیلو خواهد بود ، در صوت نیز این قانون جاری است ، اگر چهار زنگ را در چهل متری خود قرار بدهیم و یک زنگ مانند آنها را در بیست متری قراری دهیم ، صوت آن چهار زنگ مانند آن یک زنگ خواهد بود - نورهم از این قانون خارج نیست بجای زنگها چراغ بگذارید می بینند نور چراغ نزدیک با چهار چراغ دور یکسان است ، چراغها بردارید

بعای آنها بخاریهای متساوی درحرارت بگذردید ، همین قانون را مشاهده می کنید ، پس در خلقت عالم یکنونه قوانین منظمی حکومت دارد ، و این قوانین در زمین ما و فضا و سیارات دور همه یکسان است باین جهت باید معتقد شویم که یک اراده و قدرت در تمام عالم حکومت دارد . اصول زندگانی ما روی زمین وابسته بنور و حرارت و صوت و جاذبه است و تمام اینها دارای قانون واحد و منظمی هستند ، در رقص ساعت و بازوی قپان نیز نسبت بکوتاهی و بلندی آنها همین قانون را مینگردید . از قوانین جاذبه عمومی قانون سقوط جسم است که آنهم بحسب قانون منظم عددیست اگر ثانیه اول سقوط را یک فرض کنیم ، در ثانیه دوم ۳ در ثانیه چهارم ۵ و در ثانیه پنجم ۷ خواهد بود ، در ثانیه اول اگر جسم ۱۶ قدم مسافت سقوط کند ، بنابر این در ثانیه دوم ۱۶ ضرب در ۳ و در ثانیه سوم ۱۶ ضرب در ۵ خواهد بود . اینها چند نمونه ایست برای توجه بقوانین عمومی و ثابت جهان ، بر انسان است که در این قوانین تدبیر کند تاعظمت و وحدت خالق را در این خطوط برجسته بخواند و برای پیشرفت زندگانی از اینها استفاده کند و بر مسلمانها است که بر موز دین و کتاب آسمانی خودشان بینا شوند ، واژروی آیات خلقت آیات قرآن را بهتر بفهمند ، آنجا که میگوید : کرسی خدا آسمانها و زمین را فرا گرفته . آسمانها بر افراشته را شما بدون سخون می بینید ؟ آسمان دارای رشته های بهم پیوسته است . برای خدا است آنچه در آسمان و زمین است وهمه خاضع و فروتن برای حقدن . در زمین چنان محبت سرشار قرار دادیم که زنده و مرده شمارا در آغوش گرفته و به پرواژ در آمدۀ برای خدا سجده می کند آنچه در آسمانها و زمین است . هر چیزی برای خدا تسبیح می کند ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید . خداست که آسمان و زمین را بهم پیوسته داشته تا از هم ملاشی نشوند **بنایین «طالقانی و زمانه ما»**

اینها ترجمه و مضمون بعضی از آیات کتاب آسمانی شما است که میخواهد پیروان خود را بنظامات بزرگ عالم متوجه کند . اگر مسلمانها از قرآن و هدایت اوپروردی میکرند همانند پدران بزرگ خود امروز همه چیز داشتند ، چراغ علم بدهست آنها بود و رهنمایی خلق جهان بودند ، شایسته ترین مملک بودند که قدرت علم را برای خدمت بخلق و روش کردن راه خدا و برقرار نمودن عدالت بکار برند ، نه آنکه علم و صفت را وسلیه درند کی و خوردن ضعیف و ماده پرسنی قرار دهند !! تاریخ بهترین شاهد تریت قرآن است . خداوند این ضعیف و پراکندگی را از میان مسلمانان برطرف کند و همه را در پنجه خود بدارد .



10007500077478
کتابخانه مرکزی دانشگاه



کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University